



تحلیل و بررسی سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در ایران

احمد موبدی (کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی)

قسمت پایانی

همکاری تقنینی با آنها در زمینه مقابله با شیوه‌های تطهیر پول می‌تواند به محروم نمودن دست‌اندرکاران قاچاق مواد مخدر از عواید فعالیت‌های بزهکارانه و از بین بردن انگیزه اصلی آنها در مبادرت به این اعمال بینجامد. الهام گرفتن کلیه مواد قانونی از روندی هماهنگ و منطبق با سیاستی اصولی که نشأت گرفته از تحقیقات و پژوهش‌های علمی و جهانی بوده و در آن نقطه نظرات کارشناسان علوم مرتبط نظیر جرم‌شناسان، حقوقدانان، روانشناسان، روانپزشکان، جامعه‌شناسان و متخصصین علوم زندان‌ها منعکس باشد، در مهار این پدیده شوم بسیار مؤثر خواهد بود. اصلاحات شتاب زده‌ای که اخیراً در قانون مبارزه با مواد مخدر صورت پذیرفت، اگرچه به حیات بعضی از نواقص قانون سابق خاتمه داد، لیکن برخی از اشکالات قانون سابق مرتفع نگردیده. پیش‌بینی برخی از جرایم و به‌اصطلاح جرم‌زایی برخی از افعال که از جمله جرایم مانع بوده و قبل از ورود فرد به محدوده جرایم قاچاق مواد مخدر او را از ارتکاب جرم اصلی باز می‌دارد، می‌تواند در مبارزه‌ای کارا ما را یاری رساند. (مانند تبصره ماده ۳۰ در خصوص جرم‌زایی افرادی که اقدام به ساخت، تعبیه و جاسازی جهت حمل مواد مخدر در

مکانیزم‌های سیاست جنایی در زمینه مبارزه با مواد مخدر

الف) مقررات کیفری:

۱) جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر
از جمله اهرم‌های قهری که همواره کشورها با توسل به آنها به مقابله با جرایم مواد مخدر می‌پردازند، مقررات کیفری است. در این خصوص، مقررات کیفری باید به‌گونه‌ای تدوین گردد که از سیاست کلی تدوین شده تبعیت نموده و کلیه تدابیری که برای مبارزه جدی با این پدیده شوم اجتماعی ضرورت دارد، اعم از قاچاق و اعتیاد پیش‌بینی شود. وجود ابهامات و خلاءهای قانونی، موجب ورود نظرات شخصی قضات در صدور حکم، اعمال مجازات‌های بسیار متفاوت در موارد مشابه می‌گردد. پیش‌بینی مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی در قوانین داخلی و اجرای عملی آنها می‌تواند ما را در مقابله با این‌گونه جرایم یاری رساند.

از آنجایی که قاچاق مواد مخدر منافع و ثروت‌های کلانی را برای باندهای قاچاق به دنبال دارد، و باعنایت به بین‌المللی بودن این جرایم، وضع قوانین هماهنگ با کشورهای منطقه و

وسایل نقلیه می نمایند)

در این راستا، جرم‌زایی شروع و معاونت در جرایم موادمخدر ضروری به نظر می‌رسد. خوشبختانه، کمیته امور حقوقی ستاد مبارزه با مواد مخدر، با استمداد از مراکز علمی و دانشگاهی تلاش‌های جدیدی را جهت انطباق قوانین داخلی با مقررات بین‌المللی و تدوین قانونی جامع و مترقی شروع نموده که امید است در ماه‌های آینده شاهد پیشنهاد این مقررات به مراجع تقنینی باشیم.

۲) جرایم مربوط به اعتیاد به مواد مخدر:

نمود و تجلی جرایم ناشی از قاچاق مواد مخدر، اعتیاد افراد جامعه به مواد مخدر است. در صورتی که سیاست جنایی در پیش‌بینی روش‌های خود در خصوص مبارزه با جرایم ناشی از قاچاق این مواد موفق عمل ننماید، برخورد با جرایم ناشی از اعتیاد توأم با مشکلات فراوانی بوده و اثرات نامطلوبی را در پی خواهد داشت. به این جهت، قسمت عمده مقررات کیفری در این باب، به جرایم مربوط به قاچاق موادمخدر اختصاص دارد. این موضوع در قانون مبارزه با مواد مخدر نیز منعکس است. اما با فرض سیاست جنایی مطلوب در خصوص جرایم ناشی از قاچاق مواد مخدر، بخشی از این سیاست که به امر محو و محدودیت اعتیاد به مواد مخدر اختصاص می‌یابد، باید واجد ویژگی مؤثری در کنترل، درمان و بهسازی معتادین باشد. سیاست جنایی در این زمینه باید دارای برنامه‌ریزی دقیق در پرداختن به علل گرایش فرد به اعتیاد، عوامل مؤثر در ترک اعتیاد و شناخت و محو علل گرایش مجدد فرد به اعتیاد باشد. در این راستا، توجه به واکنش‌های کیفری و پاسخ‌های غیرکیفری؛ یعنی حقوقی، مدنی، اداری و روش‌های پیشگیری، درمانی دارای جایگاهی ارزنده است.

قانون مبارزه با مواد مخدر در ماده (۱۵) خود، ضمن جرم

دانستن اعتیاد، با الهام از سیاست جنایی درمانی، فرصت ترک اعتیاد به معتادین را به میل و اراده خویش داده است. اما تبصره این ماده که اعمال جزای نقدی را پس از فراغت از مراکز درمانی مقرر داشته، با هدف اولیه، یعنی درمان معتاد در تضاد است. به عبارت دیگر، تکلیف فردی که قبلاً اعتیاد داشته و پرونده وی در مراجع قضایی مطرح شده، لیکن متعاقباً ترک اعتیاد نموده، مشخص نگردیده است. از جمله واکنش‌های غیرکیفری می‌توان به مقررات پیش‌بینی شده در قانون کار، قانون استخدامی، قوانین مربوط به نامزدی مجلس شورا و یا شوراهای محلی یا قانون ازدواج و گذرنامه اشاره داشت که شرط بهره‌مندی از این‌گونه حقوق اجتماعی را عدم وابستگی به مواد مخدر دانسته است.

این امر می‌تواند عامل مهمی در جهت جلوگیری از اعتیاد افراد به مواد مخدر به شمار آید.

ب) ضمانت اجرا:

مجمع تشخیص مصلحت نظام با تدوین متون قانونی، پاره‌ای از ضمانت اجرای کیفری را نیز پیش‌بینی نموده است. ضمانت اجراها باید به گونه‌ای تعیین شود که تهدید به اعمال مجازات فی‌نفسه بتواند نقش پیشگیری از ارتکاب جرایم را نیز داشته باشد.

ضمانت اجراها ضمن اینکه می‌تواند نقش بازدارندگی در ارتکاب جرایم توسط فاعلین بالقوه (استعمال کنندگان تفننی و قاچاقچیان غیر حرفه‌ای) را داشته باشد، چگونگی اعمال آنها نیز در پیشگیری اجتماعی دارای نقش مؤثری می‌باشد.

در قانون مبارزه با مواد مخدر، ضمانت اجراها در مواردی این وظیفه را ادا می‌کنند؛ مثلاً در مواد (۲ و ۳ و ۴)، کیفرهای نقدی جرایم نسبت به قانون سابق مبارزه با مواد مخدر تا ده برابر و در مواد (۷، ۸ و ۹)، تا دو برابر افزایش یافته و یا در ماده (۹) این قانون، اجرای حکم اعدام در ملاء عام پیش‌بینی شده، که اعمال چنین مجازات‌هایی می‌تواند نقش بازدارندگی و ترهیبی داشته باشد.

از مقایسه ضمانت اجرای مقرر در قانون لاحق، نسبت به قانون سابق می‌تواند به ناامیدی دولت در اعمال کیفرهای سالب آزادی و همچنین اعدام مرتکبین قاچاق مواد مخدر در محدودیت این‌گونه جرایم پی برد. بسیاری از مواد طوری جهت‌گیری شده تا از ورود فرد به زندان جلوگیری نماید و یا طول مدت حبس محکومین، به حداقل ممکن تنزل یابد و نیز کیفر اعدام نیز تا حد زیادی کاهش یافته است. ضمانت اجرای مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر، در زمینه جرایم استعمال و اعتیاد

الهام گرفتن کلیه مواد قانونی از روندی هماهنگ و منطبق با سیاست‌های اصولی که نشأت گرفته از تحقیقات و پژوهش‌های علمی و جهانی بوده و در آن نقطه نظرات کارشناسان علوم مرتبط نظیر جرم‌شناسان، حقوقدانان، روانشناسان، روانپزشکان، جامعه‌شناسان و متخصصین علوم زندان‌ها منعکس باشد، در مهار این پدیده شوم بسیار مؤثر خواهد بود

به مواد مخدر، به نظر اکثریت قضات کشور هیچ تأثیری در جلوگیری از گرایش افراد در مان معتادان به مواد مخدر ندارد. ایشان معتقدند که قانونگذار در مواد (۱۶) و (۱۹) این قانون، مجازات شلاق و جریمه را برای این دسته از افراد در نظر گرفته و حتی در صورت تکرار جرم صرفاً مجازات شلاق حداکثر تا ۷۴ ضربه نسبت به فرد معتاد پیش‌بینی نموده و این مجازات‌ها قدرت بازدارندگی و ترهیبی ندارند. ستاد مبارزه با مواد مخدر این مهم را از نظر دور نداشته و با همکاری موسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران سعی در تعیین ضمانت اجراهای مناسب دارد.

در این میان، توجه به ماده (۳) کنوانسیون سال ۱۹۸۸ م. خصوصاً بند «۴» آن که به انواع مجازات‌ها اختصاص دارد، راهکار مناسبی در وضع ضمانت اجرا برای قانونگذار داخلی است.

ج) آیین دادرسی کیفری:

این مقررات، اصول و قواعدی را دربرمی‌گیرد که برای کشف جرایم، تشکیلات و صلاحیت مراجع تعقیب، تحقیق و صادرکننده حکم و شکایت از احکام کیفری و نحوه رسیدگی به امر جزایی اختصاص یافته است.

قواعد آیین دادرسی برای اینکه نقش مهم خود را در دفاع از منافع جامعه ایفا نماید، باید منطبق با ضرورت‌های اجتماعی برنامه‌ریزی شده و به گونه‌ای جهت‌گیری شود که از بی‌کیفر گذاشتن مجرمینی که مستحق دریافت مجازات هستند جلوگیری به عمل آورد. هدف این مقررات تنها تعقیب و محاکمه سریع متهمین نیست، بلکه وضع قوانینی است که حقوق دفاعی متهمین را نیز به نحو احسن تأمین نماید؛ یعنی، تا زمانی که مسئولیت و مجرمیت وی در دادگاه جزایی ثابت و مسلم نگردیده، دچار محرومیت از حقوق حقه خویش نگردد، زیرا محتمل است که وی واقعاً مرتکب جرمی نشده و تأخیر در رسیدگی پیامدهای جبران‌ناپذیری را متوجه فرد و اطرافیانش نماید.

از آنجایی که خصوصیتی در این جرایم وجود ندارد تا بتوان معتقد به قراردادن این جرایم در صلاحیت مراجع اختصاصی و نیز متمایز ساختن آیین دادرسی آن از جرایم عمومی بود؛ لذا ضرورت دارد که رسیدگی به جرایم مواد مخدر در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار گیرد و آیین رسیدگی این‌گونه جرایم نیز تابع تشریفات سایر جرایم گردد، تا بتوان از تعاون قضایی سایر کشور نیز در این زمینه بهره جست.

پیشگیری از جرایم مواد مخدر:

اگرچه در غالب جرایم، هدف از به کیفر رساندن مجرمان، اصلاح بزهدار و تهدید مجرمین بالقوه می‌باشد؛ اما نباید فراموش کرد که صرف تدوین قوانین و اجرای آنها به تنهایی برای انصراف مجرمین بالقوه کافی نیست و ضرورت دارد به نقش و جایگاه پیشگیری

عمومی به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در مهار جرایم مواد مخدر توجه نمود. به عقیده «انریکو فری» (از جمله پیشوایان مکتب تحقیقی دهه‌های آخر سده نوزدهم)، پیشگیری عام با تهدید کیفر، خیالی بیش نیست و می‌باید آن‌چه وی آنها را جانشین‌های کیفری می‌نامد (یعنی، تدابیر اجتماعی برای کیفرها که از ارتکاب بزهداری جلوگیری می‌نماید)، وارد سیاست جنایی شود.^(۱)

به همین جهت هرگز نباید قایل شویم که قانون اساسی در اصل یک‌صد و پنجاه و ششم، وظیفه انحصاری پیشگیری از وقوع جرم را در حیطه وظایف قوه قضایی قرار داده و سایر دستگاه‌های کشور در این امر وظیفه‌ای برعهده ندارند. همچنان که قانونگذار با آگاهی بر این امر، در قانون تشکیل نیروی انتظامی در سال ۷۰، یکی از وظایف این نیرو را نیز پیشگیری از وقوع جرم قرار داده و این می‌رساند که بسیاری از دستگاه‌های کشور در این بخش از سیاست جنایی وظایفی را برعهده دارند. برخی از مسئولین کشور ما اعتقاد کاملی برقرار گرفتن این‌گونه تدابیر در قلمرو سیاست جنایی ندارند و به نقش و جایگاه واقعی این اقدامات واقف نیستند. اگر بتوان با داده‌های علمی و استفاده از علوم تجربی، کارایی این بخش از سیاست جنایی را به‌بوته آزمایش کشاند یقیناً نقش این‌گونه تدابیر در مهار جرایم مواد مخدر بهتر درک خواهد شد.

اگرچه ممکن است برخی از مجرمین بالقوه با مطالعه قوانین کیفری و استحضار از وجود ضمانت اجراهای خشن، در آینده مرتکب جرم نگردند و قوه قضاییه با اعمال مجازات‌ها نسبت به مجرمین بالفعل به این امر کمک نماید، اما باید دانست که عوامل بی‌شماری بر بزهداری و بزهدار تأثیرگذار است که نادیده گرفتن این عوامل موجب عدم تحقق اهداف سیاست جنایی در کشور می‌گردد.

از آنجایی که قانون اساسی، مأموریت‌های خاصی را برای قوه قضاییه تعریف نموده و قوانین عادی، ابزار محدودی را در اختیار این قوه قرار داده؛ لذا نمی‌توان از این دستگاه انتظار داشت تا بتواند مدیریت

مجمع تشخیص مصلحت نظام با
تدوین متون قانونی، پاره‌ای از
ضمانت اجراهای کیفری را نیز
پیش‌بینی نموده است. ضمانت اجراها
باید به گونه‌ای تعیین شود که تهدید
به اعمال مجازات کی‌نفسه بتواند نقش
پیشگیری از ارتکاب جرایم را نیز
داشته باشد

پیشگیری اجتماعی را برعهده گیرد. به عبارت دیگر، این قوه صرفاً وظیفه کنترل سرکوبگرانه مجرمین بالقوه را برعهده دارد تا با هدف رعب‌انگیزی، بازدارندگی، سزادهی و بهسازی شخصیت مجرمین، مجازات‌ها را به مرحله اجرا درآورد؛ و با این وصف درخصوص عموم افراد جامعه این نقش بسیار کم‌رنگ می‌باشد.

یافته‌های نوین جرم‌شناسی نیز ضرورت عقب‌نشینی قوانین کیفری و کنترل سرکوبگرانه و استفاده بیشتر از اقدامات و تدابیر اجتماعی جهت مقابله با جرایم مواد مخدر را ثابت نموده.

تا قبل از ارتکاب جرم توسط مرتکبه نهادهای دیگر کشور مثل سازمان بهزیستی، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رسانه‌های گروهی و صدا و سیما، گروه‌های اجتماعی، مساجد، خانواده‌ها، دانشگاه، مدرسه، محله و گروه‌های همسالان، با مکانیزم خاص خود به عنوان یک استراتژی ضدبزهکاری در جامعه فعالیت دارند.

هدف از چنین اقداماتی، تأثیرگذاری بر شخصیت و روان آن دسته از افرادی است که ممکن است در آینده درگیر روند دستگاه قضایی گردند تا فرصت‌های بزهکاری را کم کرده و انگیزه را از اشخاصی که مهیای ارتکاب جرم هستند بگیرند. دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، با مشارکت کلیه ارگان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط و استفاده از نقطه نظرات اساتید دانشگاه‌ها و یا برگزاری جلسات متعدد کارشناسی، اقدام به تدوین آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان و افراد در معرض خطر اعتیاد نمود و این آیین‌نامه را جهت اجرا در اختیار کلیه ارگان‌های مسئول قرار داد. امید است با مشارکت ارگان‌های رسمی و کمک از گروه‌های غیررسمی و مردمی، شاهد افزایش روز افزون این قسمت از سیاست جنایی در کشور باشیم.

اتخاذ تدابیر لازم در جهت رفع معضلات زیر می‌تواند در کنترل جرایم مواد مخدر مؤثر واقع شود:

الف) پرداختن به روش‌های اصولی جهت حراست و کنترل دقیق‌تر مرزهای کشور.

ب) کاهش مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم مناطق مرزنشین.

ج) برخورد اصولی و کارا با عوامل خارجی و باندهای بین‌المللی.

د) همکاری‌های بین‌المللی در جهت مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر به طرق مختلف از جمله استفاده از کنوانسیون سال ۱۹۸۸ م، برای استرداد مجرمین مواد مخدر.

ه) رفع موانع فرار مراجعت اتباع خارجه به کشورشان. و) از آنجایی که همجواری با دو کشور افغانستان و پاکستان

معضلات فراوانی را در امر مبارزه با مواد مخدر برای ما فراهم آورده، لذا انجام نشست‌های منطقه‌ای و اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل و کمک به استقرار دولت مقتدر در این کشورها ضروری به نظر می‌رسد.

ز) اصلاح قوانین مربوط به مبارزه با مواد مخدر و روزآمد کردن آن قوانین.

ح) تهیه قوانین جامع پیشگیری در زمینه اعتیاد و نیز قاچاق مواد مخدر.

ط) گسترش همکاری‌های بین‌المللی و اجرای عملی کلیه مواد کنوانسیون‌های مصوب.

ی) همکاری نزدیک‌تر کلیه ارگان‌های مسئول.

پی‌نوشت:

۱. مجله تحقیقات حقوقی، بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی، ترجمه استاد دکتر نجفی ابرندآبادی، ص ۳۰۶.

